



۲

بخش دوم



در مسیر

خانم دکتر فرحناز پرویزی
کرج

برای حرکت در مسیر رشد و کمال چه مراعلی باید طی شود؟

^۱ سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است؛ موضوعی که در بخش اول با محوریت تفکر پیرامون خدا، آثار و صفاتش، سنت‌های او در جهان هستی به‌ویژه زندگی انسان به آن پرداختیم.

^۲ اما گام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که با انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) و ترک برخی از امور (محرمات) در قلمروهای مختلف ممکن است.

هرچند این مسیر با دشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند، قدرتمندترین قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است:

بیانگر توفیر عملی است

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةِ مِّنْهُ

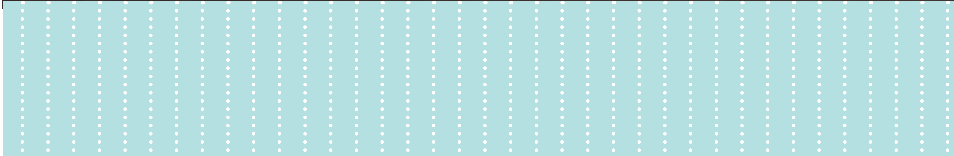
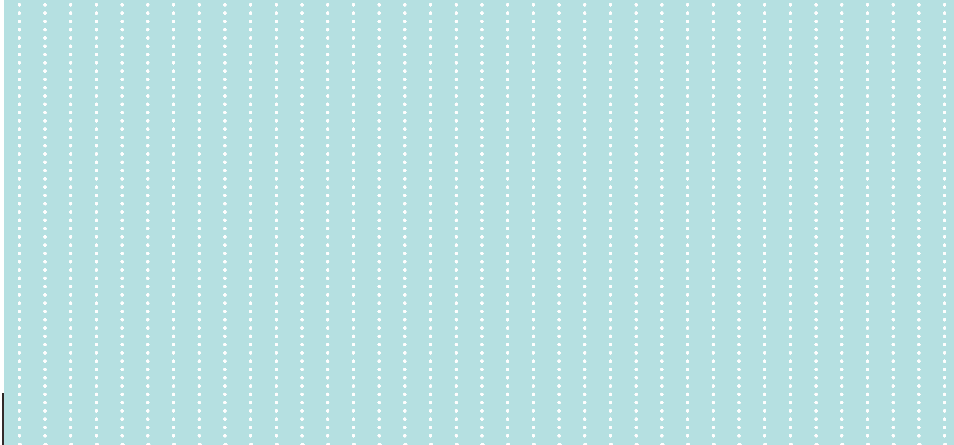
وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمًا^{علیت} *فای نتیجه و بقیه آیه معلول*

توفیر در ربوبیت چون هدایت و تدبیر امور بندگان فعل فراوند است و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت کند.

وارد شدن به رحمت و فضل الهی و هدایت شدن به راه راست، معلول ایمان به خدا و تمسک به اوست به بیانی دیگر نتیجه ایمان به خدا و تمسک به او ۲ نیز است ← بر فرورداری از فضل و رحمت الهی ← هدایت به راه مستقیم

این آیه از جهت نشان دادن «صراط مستقیم» با آیه «الم اعوذ الیکم...هزا صراط مستقیم» مرتبط است هدایت قاص الهی برای مومنان متمسک به فراوند بیانگر سنت توفیق الهی است و از این جهت با آیه «والذین یأهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا» ارتباط معنایی دارد

۱-سوره نساء، آیه ۱۷۵. تمسک به دستورات فراوند مربوط به توفیر عملی و هدایت الهی مربوط به توفیر در ربوبیت است و از این جهت با آیه «ان الله ربی و ربکم فاعبره هزا صراط مستقیم» ارتباط معنایی دارد



وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۚ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٠٦﴾ وَلَا تُجَادِلْ
 عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ
 خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ
 مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۚ
 وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿١٠٨﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ
 عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿١٠٩﴾ وَمَن يَعْمَلْ سَوَاءً أَوْ
 يَظْلِمِ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَّحِيمًا
 ﴿١١٠﴾ وَمَن يَكْسِبِ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهِ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۗ ط ﴿١١١﴾
 كَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١٢﴾ وَمَن يَكْسِبِ خَطِيئَةً أَوْ
 إِثْمًا ثُمَّ يَرِمْ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿١١٣﴾ وَ
 لَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ
 يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ ۚ
 وَأَنزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ
 تَكُن تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٤﴾

و از خدا آمرزش بخواه، که خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۱۰۶﴾

و از کسانی که به خویشتن خیانت می‌کنند دفاع مکن، که خداوند هر کس را که خیانتگر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد. ﴿۱۰۷﴾

[کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می‌دارند، [اما از خدا شرم نمی‌کنند] و از خدا پنهان نمی‌کنند [و در حضور او مرتکب گناه می‌شوند]، و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می‌گفتند، خدا با آنها بود و خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. ﴿۱۰۸﴾

هان، شما همانان هستید که در زندگی دنیا از ایشان جانبداری کردید، پس چه کسی روز رستاخیز از آنان در برابر خدا جانبداری خواهد کرد؟ یا چه کسی حمایتگر [و حامی] آنان تواند بود؟ ﴿۱۰۹﴾

و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشتن ستم ورزد؛ سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت. ﴿۱۱۰﴾

و هر کس گناهی مرتکب شود، فقط آن را به زیان خود مرتکب شده، و خدا همواره دانا و حکیم است. ﴿۱۱۱﴾

و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود؛ سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد، قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است. ﴿۱۱۲﴾

و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود، گروهی از ایشان آهنگِ آن داشتند که تو را گمراه سازند، [اما] جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌سازند، و هیچ‌گونه زیبایی به تو نمی‌رسانند. و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت، و فضل خدا بر تو همواره بزرگ بود. ﴿۱۱۳﴾

سنت های الهی ← سنت ابتلاء
 سنت امرار عام الهی
 سنت قاص توفیق الهی
 سنت سبقت رحمت بر غضب
 سنت املاء و استدراج
 سنت تأثیر اعمال در زندگی او



خانم دکتر فرحناز پرویزی
 کرج

در گرو کار خویش

درس هفتم



در درس گذشته، با چند مورد از سنت های الهی از جمله «نقش عمل انسان در سرنوشت او» آشنا شدیم و نمونه هایی از این تأثیر را مطالعه کردیم.

اما یک سؤال اساسی در رابطه میان انسان و عمل او وجود دارد که لازم است به طور جدی درباره آن بیندیشیم و ببینیم که قرآن کریم و پیشوایان دین درباره آن، چه رهنمودی به ما داده اند. آن سؤال اساسی این است که:

عمل انسان چه نقشی در ساختن شخصیت او دارد؟

*شفهیت انسان بر اساس اعمال نیک یا بر او شکل می
 گیرد و ساقته می شود؛ زیرا اعمال انسان با اختیار انجام می
 شود و اختیار از ویژگی های روح انسان است و شفهیت
 انسان وابسته به روح اوست، لذا عمل بر شفهیت انسان
 اثر گزار است*

۱. انسان به کمک کدام ویژگی می تواند مراحل کمال را طی کند؟ ویژگی برفوردراری از قدرت اختیار

۲. انسان با وجود داشتن اختیار با توجه به چه عواملی می تواند در مسیر شقاوت و هلاکت خود پیش برود؟

مقام و منزلت

درباره ارزشمندی قدرت اختیار بارها توضیح داده شده است که انسان به کمک همین ویژگی می تواند

مراحل کمال را یکی پس از دیگری ببیند و به تعبیر سعدی: **شعر به مقام و منزلت انسان اشاره دارد**

انسان تا جایی است که جز

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

فرا را نمی

ببیند باید از

طیران مرغ دیدی تو ز پایند شهوت

پایندی شهوت خارج

انسان همان طور که با قدرت اختیار خود می تواند راه کمال را طی کند، با همین توانایی می تواند

شده تا پرواز و عروج

در مسیر شقاوت پیش رود و هلاکت خود را رقم بزند. عواملی همچون شیطان، شرایط فرهنگی و

اجتماعی، دوستان، رسانه ها و هر عامل دیگر فقط در حد وسوسه و تحریک نقش دارند و این، خود

انسانیت رخ دهد

انسان است که سرنوشت شقاوت بار خود را رقم می زند و آینده خود را تباه می سازد. پس انسان

گونه کار در گرو عمل خویش است. ۲

الهام فیر و نیکی به انسان نوعی هدایت درونی و تکوینی است پس مربوط به توحید در ربوبیت است

تدبر در قرآن

این آیه اشاره دارد به نقش انسان در رستگاری یا گمراهی خود
قَالَهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا
انگاہ [تشخیص] بدکاری و پرهیزکاری را به آن [نفس انسان]

بیانگر گرایش انسان به فیر و نیکی است

الهام کرد.
که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد.

قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

و هر کس آن را آلوده کرد، قطعاً محروم شد.

وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

۱- در این آیات یک بشارت وجود دارد و یک انذار، آنها را مشخص کنید.

بشارت به رستگاری (قبر افلح من زکاه) و انذار از آلودگی به گناه و پرکاری (قبر خاب من دساه)

۲- این بشارت و انذار نشانه چه حقیقتی است؟ پاسخ سوال پایین صفحه

بیشتر بدانیم

قرآن کریم در ابتدای گفت و گویی از بهشتیان با دوزخیان می فرماید ۱:

هر انسانی در گروهی کاری است که کرده و باید جوابگو باشد که چرا این زیان را به خود یا دیگری رسانده است.

سپس آن گفت و گو را چنین بیان می کند تا نشان دهد که دوزخیان در گروهی چه رفتاری بوده اند:

نشانه این حقیقت است که انسان اختیار دارد و سرنوشتش به

۱- سوره شمس، آیات ۸ تا ۱۰.

دست خود اوست؛ زیرا وقتی بشارت و انذار انسان معنا دارد که وی

۲- سوره مدثر، آیات ۳۸ تا ۴۸.

اختیار آن را داشته باشد که بین مسیر درست و نادرست، دست به

انتخاب بزند. اگر انسان اختیار انتخاب مسیر را نداشته باشد، دیگر

معنا ندارد که او را نسبت به انتخاب نادرست انذار، و نسبت به

پاسخ سوال ۲ تدبر در قرآن

اصحاب یمین از مجرمان می پرسند : چه چیزی شما را به راه دوزخ کشاند؟ آنان با تأسف می گویند : ما نمازگزار نبودیم و توجهی به بینوایان نداشتیم و آنان را اطعام نمی کردیم و پیوسته با اهل باطل همنشین بودیم و روز قیامت را تکذیب می کردیم که ناگهان مرگ آمد و ما را دربرگرفت.

پس از آن خداوند با حالتی تأسف آمیز می فرماید : کار اینان به جایی رسید که حتی شفاعت شفاعت کنندگان نیز برای آنان سودی نداشت. سپس خداوند، ما را به علت اصلی این سرنوشت وحشتناک توجه می دهد که اینان از هر اندرز و نصیحتی فرار می کردند، همان طور که چهارپایان از حمله شیرهای درنده فرار می کنند.

زمینه های گناه

هیچ انسانی به طور فطری به دنبال ظلم، خیانت، دروغ گویی، تجاوز به حقوق دیگران و سایر اموری که گناه و بدی نامیده می شوند، نیست؛ بلکه برعکس، انسان ها عدل، امانت داری، صداقت، عفت، پاکدامنی، حیا و اموری که عمل صالح و خُلق نیکو محسوب می شوند را دوست دارند و می خواهند که دیگران هم نسبت به آنان راستگو و درست کردار باشند.

ممکن است پرسید : پس چرا برخی از انسان ها به سوی گناه می روند و مرتکب گناه می شوند؟ ^{۳۳} **سوال؟** به طور فاصله ^{۳۳} (در تبیین علت و چرایی حرکت انسان به سمت گناه می گویم :

خداوند حکیم امیال و غرایز و گرایش های گوناگونی در وجود انسان قرار داده تا به وسیله آنها حیات مادی و معنوی خود را سامان دهد و تکامل بخشد؛ امیال و غرایز برای حیات مادی و گرایش به خیر و نیکی برای حیات معنوی.

آنچه در این میان مهم است این است که انسان باید حد و مرز این امیال و غرایز را رعایت کند و آنها را کنترل نماید تا طغیان یک یا چند میل موجب نشود تا انسان گرایش های معنوی خود را به فراموشی سپرد و همه زندگی خود را صرف امیال مادی کند. ^{۳۴}

(تمایلات مادی در انسان شبیه به جریان آب در طبیعت است. اگر آب، که مایه حیات انسان و گیاهان و حیوان هاست، هدایت و کنترل شود و در پشت سدها و در مزارع و رودخانه ها به طرز صحیحی استفاده گردد، موجب آبادانی می شود؛ اما اگر همین آب کنترل نشود و به صورت سیل و سیلاب جاری شود، تخریب و ویرانی به بار می آورد. بنابراین، اگر امیال مادی انسان کنترل نشود، این امیال سر به طغیان

^{۳۴} تمایلات مادی در انسان به چه چیزی تشبیه شده است؟ توضیح دهید؟ با مثال

برداشته و انسان مرتکب گناه می‌شود.

به‌طور مثال، یکی از قوای وجودی ما قوه غضب است. خداوند این قوه را در انسان قرار داده تا در مواقع خطر از خود دفاع کند و با متجاوزان مقابله نماید. اما اگر کسی حد و مرز این میل را رعایت نکند و مردمان دیگر را زیر سلطه و قدرت خود قرار دهد و اموال آنان را به چنگ آورد، از این قوه سوء استفاده کرده و مرتکب گناه شده است. ظالمین و متجاوزان به حقوق مردم در جهان، کسانی هستند که از این قوه استفاده نادرست کرده‌اند.^۴

بررسی

چه عواملی امروزه سبب می‌شوند تمایلات مادی ما تحریک شوند و از حد اعتدال خارج گردند؟ آنها را شناسایی کرده و نام ببرید. *در اینجا منظور از عوامل صرفاً عوامل مبیطی است*

دوستان و رفیقان نامناسب، مشهور در مجالس گناه آلود، مشهور در گروه‌ها و یا کتال‌های نامناسب در فضای مجازی، دیرین فیلم‌های فشنوت آمیز

پاسخ به یک پرسش

۵. سوال؟ ممکن است بپرسید با توجه به این سخن که انسان از هر چیزی منع شود نسبت به آن حریص‌تر می‌شود، آیا محدود کردن تمایلات مادی انسان توسط احکام الهی، سبب حریص‌تر شدن انسان و طغیان آن میل نمی‌شود؟

۵) پاسخ در پاسخ به این سؤال می‌گوییم:

اولاً؛ احکام الهی انسان را از توجه به امیال مادی منع نمی‌کند بلکه توصیه به استفاده معتدل از آنها می‌نماید.

ثانیاً؛ انسان به چیزی حرص می‌ورزد که نسبت به آن تحریک شود. انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود از بسیاری از امور منع شده‌اند اما هرگز نسبت به آن حریص‌تر نمی‌شوند؛ مثلاً در و دیوار منازل شخصی مردم، دیگران را از ورود بدون اجازه به آن منع می‌کند، اما وقتی انسان از کوچه و خیابان گذر می‌کند نه تنها نسبت به این منع هیچ حرصی ندارد، بلکه آن را پسندیده و لازمه زندگی اجتماعی می‌داند. بنابراین، حریص شدن انسان نسبت به برخی امیال مانند میل جنسی نه به خاطر محدود کردن آن، بلکه به خاطر تحریک انسان‌ها توسط برخی رسانه‌ها، فیلم‌ها، پوشش نامناسب برخی افراد... است.

ثالثاً؛ برخی افراد منافع و تجارتشان در گسترش و افراط در تمایلات مادی است و به دنبال حریص‌تر شدن مردم هستند.^۶

ایبار هرص بیشتر در مردم به اراده گناهکاران از طریق گسترش و افراط در تمایلات مادی، در راستای منفعت طلبی آنان در تبارشان صورت می گیرد

و يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ مَوْضِعَ كُلِّ مَرِيضٍ تَرَى

و کسانی که از شهوات پیروی می کنند، می خواهند

شما به انحراف بزرگی دچار شوید.

در تمایلات مادی

أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا

این افراد شهوت ران به استفاده متعادل از تمایلات نام منع می گذارند تا این گونه الفا کنند که دین اسلام، انسان ها را از توجه به امیال و غرایز مادی منع کرده است.

هدف شهوت ران

۴. آیا فطری دوست نداشتن گناه باعث دوری از گناه می شود؟

ایمان، پشتوانه ای محکم برای دوری از گناه

همان طور که توضیح داده شد، انسان به طور فطری گناه را دوست ندارد و فضیلت و خیر را می خواهد.

اما این مسئله سبب دوری از گناه نمی شود، زیرا چنان که گفته شد، عوامل تحریکی ممکن است زمینه توجه بیش از حد انسان به تمایلات حیوانی شود و برای رسیدن به آن تمایلات مرتکب گناه گردد.

بنابراین ما نیازمند یک پشتوانه محکم برای دوری از گناه هستیم و این پشتوانه محکم چیزی جز

ایمان به خداوند نیست. **ایمان به خداوند از چند جهت پشتوانه دوری از گناه است؟**

۱- انسان مؤمن می داند که خداوند ناظر کارهای اوست. از این رو حیا می کند که در پیشگاه او مرتکب گناه شود. در صورتی که گناهی هم از او سرزند از خداوند شرمند می شود و توبه می کند.

۲- انسان مؤمن می داند که خداوند انسان را بیهوده نیافریده و نسبت به اعمال وی بی تفاوت نیست؛ در روز حساب، به نیکوکاران پاداش می دهد و بدکاران را مجازات می کند. توجه به این مسئله، باعث می شود فرد مؤمن سعی در دوری از گناه داشته باشد.

۳- انسان مؤمن در سرگردانی قرار ندارد. خداوند او را راهنمایی کرده و مشخص نموده که چه کارهایی گناه و حرام و چه کارهایی واجب است. او با اعتماد و اطمینان به دستورات الهی عمل می کند

و به سوی سعادت و رستگاری پیش می رود. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

فَسُوعٍ وَ فَسُوعٍ فِي نَمَازِ

اِئْتَابِ اِزْ اَمْرِ بِيَهْوَدِهِ وَ لَعُو

اِنْفَاقِ اِزْ اَمْوَالِ

پَاكْرَامَنِي

اِمَانَتِ دَارِي وَ وَفَايِ بِيْ عَهْدِ

مَاحْفَظَتِ اِزْ نَمَازِ

به راستی که مؤمنان پیروز و رستگارند.

مطابق آیه رمز پیروزی و رستگاری مؤمنان عبارتند از:

همانان که در نمازشان خاشع و فروتن اند.

و آنان که از بیهوده کاری رویگردانند.

و آنان که انفاق مال انجام می دهند.

و آنان که پاکدامنی می ورزند و فقط از همسران خود بهره می گیرند.

و آنان که امانت دارند و بر سر پیمانشان استوارند.

و آنان که از نمازهای خود محافظت می کنند.

این آیات بیانگر توحید عملی و ویژگی های بنده خداست

۸. میزان دوری مؤمن از گناه به چه چیزی بستگی دارد؟ توضیح دهید؟
۹. انسانی که ایمان ضعیفی دارد اگر ایمان خود را تقویت نکند؟ به چه عواقبی گرفتار می شود؟

اینان وارث وعده‌های زیبای خداوند هستند و «فردوس» را که یکی از بالاترین مراحل بهشت است،

برای ابد به ارث می‌برند.^۱

بررسی یک مسئله

با توجه به مطالب قبل ممکن است این سؤال به ذهن انسان خطور کند که پس چرا برخی مؤمنین گناه می‌کنند؟ پاسخ به این سؤال نیازمند تأمل و دقت است. از همین جهت، آن را در چند بند پاسخ می‌دهیم:

۱۰) باید توجه داشته باشیم ایمان به خدا با اینکه کسی ادعای ایمان بکند، متفاوت است؛ ایمان به خدا یک امر قلبی است. ممکن است کسی به زبان بگوید خدا و دستورات او را قبول دارم، اما هنوز اعتقاد به خدا وارد قلبش نشده باشد. چنین کسی معمولاً از دستور خدا سرپیچی می‌کند و مرتکب گناه می‌شود.^۲

۱۱) حتی افرادی که به خداوند ایمان دارند از لحاظ درجات ایمان متفاوت‌اند؛ به عبارت دیگر، ایمان انسان‌ها شدت و ضعف دارد، ایمان یکی ضعیف است و ایمان دیگری قوی و ایمان فرد دیگر قوی‌تر.^۳

۸) میزان دوری مؤمن از گناه با درجه ایمان و دلبستگی وی به خداوند ارتباط دارد. هر قدر ایمان قوی‌تر باشد، دوری وی از گناه نیز بیشتر است. با این میزان می‌توانیم درجه ایمان افراد پیرامون خود را بسنجیم: آنان که بیشتر از گناه دوری می‌کنند، ایمانشان قوی‌تر است.^۴

۹) انسانی که ایمان ضعیفی دارد، اگر ایمان خود را تقویت نکند و به گناه آلوده شود، به تدریج به گناه عادت می‌کند و به جایی می‌رسد که همین ایمان ضعیف را هم از دست می‌دهد و همه حقایق، حتی خدا را انکار می‌کند.^۵ قرآن کریم می‌فرماید:

سپس سرنوشت آنان که

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

أَسَاءُوا السُّوْأَى

أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ^۶

مرتکب گناه شدند تذبذب و تمسخر آیات الهی از عواقب گناه کاری

چنین شد که نشانه‌های خدا را تکذیب کردند علت

و آن نشانه‌ها را به باد تمسخر می‌گرفتند ← معلول

۱۱) اگر انسان هنگامی که اولین گناه را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می‌کند. اما چون آن شخصیت آلوده به تدریج شکل می‌گیرد، در

۱- برگرفته از سوره مؤمنون، آیات ۱ تا ۱۱.

۲- گروهی از اعراب که ادعای ایمان می‌کردند، اما پایبند به احکام اسلام نشده بودند، نزد پیامبر اکرم ﷺ آمدند و از ایمان دم زدند. خداوند به آن حضرت فرمود به اینان بگو ایمان نیاورده‌اید لکن بگویید اسلام آورده‌ایم، چرا که هنوز ایمان به زرفای دلتان راه نیافته است. اگر خدا و رسول را اطاعت کنید، معلوم می‌شود که ایمان آورده‌اید و خداوند نیز پاداش شما را بدون کم‌وکاست می‌دهد. (برگرفته از سوره حجرات، آیه ۱۴)

۳- سوره روم، آیه ۱۰

ابتدا تن به گناه می‌دهد و پس از آنکه به گناه آلوده شد و خود را به آن عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می‌کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.^{۱۱}

۱۰-۳ هریک از ما با تجربه‌هایی که در این زمینه داریم می‌توانیم بررسی کنیم که آیا در مواقعی که ارتباط معنوی بهتری با خدا داریم و ایمانمان به خداوند قوی‌تر است، بیشتر گناه می‌کنیم یا در حالی که توجهی به خدا نداریم و از او غافلیم؟

همچنین دوستان و هم‌کلاسی‌های ما نیز نمونه‌های خوبی برای بررسی این مسئله و رسیدن به پاسخ مناسب هستند. آیا دوستانی که واقعاً اهل نماز و روزه‌اند، بیشتر گناه می‌کنند یا دوستانی که کمتر به نماز و روزه خود توجه دارند؟

فکر گناه

هر کس، چه مؤمن و چه کافر، فکرش را به سوی گناه ببرد و دربارهٔ صحنه‌های گناه فکر کند، گرفتار آن می‌گردد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا.^۱

کسی که دربارهٔ معاصی زیاد فکر کند، گناهان او را به سوی خود می‌کشاند.

امام علی (ع) زیاد فکر کردن به گناه را عامل جذب گناهان به سمت خود دانسته اند

گرچه فکر گناه، مانند انجام گناه نیست و مجازات گناه را ندارد، اما زمینه‌ساز رفتن به سوی گناه است. امام صادق علیه السلام در این باره سخنی را از حضرت عیسی علیه السلام بیان می‌کنند که ایشان به حواریون خود فرمود: «موسی بن عمران به شما دستور داد که زنا نکنید اما من به شما فرمان می‌دهم که حتی فکر زنا را نیز به خاطر نیاورید چه رسد به اینکه آن عمل را انجام دهید، زیرا هر کس که فکر آن را بکند مانند کسی است که در ساختمانی آتش روشن کند که در این صورت دود آتش، خانه را سیاه می‌کند، گرچه ظاهر خانه سالم است.»^۲

حضرت عیسی (ع) حواریون را از فکر کردن به گناه منع کرده و آن را مانند روشن کردن آتش در خانه می‌دانند که دافل خانه را سیاه می‌کند

بدتر از گناه

۱۲. سوال؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: چهار رفتار نسبت به گناه از خود گناه بدتر است: **آنها را بنویسید.**

۱) کوچک شمردن گناه (مثلاً وقتی نگاه هوس‌آلود به نامحرم می‌کنیم، یا با پوشش نامناسب در اجتماع حاضر می‌شویم، برای راحتی وجدان بگوییم اینکه چیزی نیست، دیگران گناهان بزرگ‌تر از این را انجام می‌دهند.)

۱- غرر الحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، حدیث ۸۵۶۱.

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

۲- افتخار کردن به گناه (مثلاً بگوئیم، وقتی که فلان شغل را داشتیم فلان رشوه را گرفتیم و هیچ کس نفهمید.)

۳- شادمانی کردن بر گناه (مثلاً بعد از گناه خوشحالی کنیم و بگوئیم چه کلاهی سر او گذاشتیم.)

۴- اصرار بر گناه (بگوئیم خوب کردم که رشوه گرفتم، باز هم رشوه می گیرم.)¹²

13. گناهان به چند دسته تقسیم می شوند؟

گناهان صغیره و کبیره 14. گناهان کبیره چگونه گناهانی هستند؟¹⁴

13) در یک تقسیم بندی، گناهان به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم می شوند.¹³ (گناهان کبیره گناهانی هستند

که آثار سوء و زیان بار آنها به مراتب از گناهان صغیره بیشتر است.)¹⁴ تعداد گناهان کبیره در آیات و روایات

به طور دقیق تعیین نشده فقط می توان گفت که برخی از گناهان حتماً از جمله گناهان کبیره هستند.³

15) (عادت و تکرار گناهان صغیره زمینه ساز رفتن انسان به سمت گناهان کبیره است.)¹⁵ از این رو امام رضا (ع) می فرماید:

«گناهان کوچک راه هایی برای گناهان بزرگ اند و کسی که در [گناهان] اندک از خدا ترسد، در

[گناهان] بسیار نیز نخواهد ترسید»⁴ معلول¹⁵ چه عاملی زمینه ساز رفتن انسان به سمت گناهان کبیره است؟

از این رو، یکی از گناهان کبیره، کوچک شمردن گناهان صغیره دانسته شده است.

کتمان گناه¹⁶. چرا در تعالیم دین به کتمان گناه توصیه شده است؟

16) (در تعالیم دین توصیه شده است که اگر کسی به هر علتی گناهی را انجام داد، نباید گناهِش را برای

دیگران بیان کند، زیرا با اظهار گناه، زشتی آن در نظر او و دیگران از بین می رود و انجام گناه امری

عادی جلوه می کند.⁵ اگر در جامعه ای گناه، زشتی خود را از دست دهد، فساد در آن جامعه به سرعت

گسترش می یابد. از این رو کسانی که در فضای مجازی یا در صحبت با دوستان خود، به راحتی گناهان

خود را با دیگران در میان می گذارند گناه بزرگ دیگری را علاوه بر گناه قبلی، برای خود ثبت می کنند،

زیرا باعث ترویج آن گناه می شوند.¹⁶ خداوند در قرآن کریم می فرماید:

این آیه به هرمت بیان و

ترویج گناه اشاره دارد

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ

آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...⁶ زشت در میان مؤمنان شایع شود، در دنیا و

آخرت عذابی دردناک دارند.

پیام
پایین
صفحه
↓

۱- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۱، ص ۳۶۷.

۲- این تقسیم بندی ناظر بر آیه ۳۱ سوره نساء است که می فرماید «إِنَّ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا شِهُونَ عَنْهُ، نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا».

۳- برخی از گناهان کبیره عبارتند از: شرک به خدا، یأس از رحمت الهی، عاق والدین، قطع رحم، رباخواری، زنا، لواط، کم فروشی، فرار

از جهاد، کمک به ستمکاران، یاری نکردن به ستم دیدگان، اسراف، ترک یکی از واجبات، اصرار بر گناه، غیبت، بهتان، ریختن آبروی دیگران،

احتکار، کبر، دشمنی با مؤمنین، کفران نعمت (برای توضیح بیشتر به کتاب «گناهان کبیره» از آیت الله شهید دستغیب مراجعه کنید).

۴- «الصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكِبَائِرِ وَ مَنْ لَمْ يَخْفِ اللَّهُ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ»؛ عیون أخبار الرضا، صدوق، ج ۲، ص ۱۸.

۵- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۷۸.

۶- سوره نور، آیه ۱۹.

این آیه پیرامون کسانی است که به گسترش فحشا در جامعه علاقه دارند

اینان با بیان گناهان فود و با افشا کردن آنان و تشویق مؤمنان به گناه

جامعه را به فساد می کشانند

امام باقر (ع) گناه را فاسد کننده دل (روح) انسان دانسته و اگر گناه تکرار شود و استمرار یابد بر قلب پیره شده و انسان را در بهت رزایل و باری ها متغول می کند

1. قساوت قلب
2. سلب توفیق
3. از بین بردن آرامش فاطر

18. آثار گناه

گناهان، آثار نامطلوبی بر زندگی دنیوی و اخروی ما دارند که به سه مورد آن اشاره می کنیم:

1- قساوت قلب: قساوت¹ قلب حالتی است که قلب انسان نسبت به حق تسلیم نیست، تا آنجا که نصیحت هیچ نصیحت کننده در او اثر نمی کند. این حالت با تکرار گناه پیدا می شود؛ یعنی قلب با تکرار گناه، به تدریج چنان سخت می شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی کند. قرآن کریم به گناهکاران خطاب می کند و با مثالی وضع آنان را توضیح می دهد:

«سپس دل هایتان پس از آن سخت شد، همانند سنگ یا سخت تر از سنگ، زیرا که از بعضی سنگ ها جویباران

می شکافد و از بعضی از آنها آب بیرون می آید و برخی از آنها از عظمت و خشیت خداوند فرو می افتد.»²

امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ چیز مانند گناه دل را فاسد نمی کند. همانا قلب آلوده به گناه می شود تا جایی که بر اثر استمرار، گناه بر آن چیره می شود و آن را زیر و رو می کند.»³

2- سلب توفیق: وقتی انسان مرتکب گناه می شود، علاوه بر آثار مستقیم گناه، توفیقی نیز از او

سلب و دری از خیر به روی او بسته می شود. همین محرومیت چه بسا سرچشمه محرومیت های بعدی می شود؛ مگر اینکه شخص پس از انجام گناه، قلباً پشیمان شود و با توبه به درگاه الهی بازگردد.⁴

3- از بین بردن آرامش خاطر: گناه، بر وجدان انسان اثر می گذارد و شخص را از درون ناراحت می کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «گاهی، یک لحظه گناه، اندوه طولانی به دنبال دارد.»⁵

اگر گناهکار، در همین مرحله توبه کند، خود را از اندوه درونی نجات داده است. اما اگر گناه را تکرار کند، برای راحت کردن وجدان خود، بیوسه دست به توجیه می زند تا بالاخره بر وجدان خود چیره شود و گناه را به آسانی انجام دهد.⁶ امام علی (ع) گناه را از بین برنده آرامش انسان و به وجود آورنده هزن و اندوه طولانی برای او دانسته اند

خودارزیایی

حالت خود را هنگام نافرمانی از خداوند بررسی کنید و ببینید.

- 1- به کدام خطا عادت کرده اید و علت آن چیست؟
- 2- به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می دانید چه اثری برجا می گذارد؟
- 3- هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

1- قساوت در لغت به معنای سخت، خشن و نفوذناپذیر است، از این رو به سنگ های سخت، «قسی» گفته می شود.

2- سوره بقره، آیه ۷۴.

3- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۶۸. 20. «از بین بردن آرامش فاطر» را به عنوان یکی از آثار نامطلوب گناهان در

4- همان، ص ۴۵۱. زندگی نسان را توضیح دهید؟